

چون دفتر خاطرات هنری مارتین به انگلستان رسید، سه تن از نزدیکترین دوستان وی سیمیون، جان سارجنت و یکی دیگر روزهای متوالی به مطالعه آن پرداختند. این دفتر که به دست کوری و دیگران از میان شعله‌های آتش گرفته شده بود، از کاونپور به توکات (جایی که مارتین در آن در گذشت) و از آنجا به انگلستان رسید. قبل از آن که این دفتر به انگلستان رسد، مارتین در نظر دوستانش جوانی بود که با هر پیشامد مطلوبی به وجد و طرب می‌آمد، بازی با کودکان را دوست می‌داشت، از هوش و ذکاوت و دانش بهره فراوان داشت، پارسایی و دینداریش گاهی وی را از خود بی‌خود می‌ساخت و در راه خدمت به استادش بیماری و هر گونه رنج و محنت را نادیده می‌گرفت. ولی پس از خواندن یادداشت‌های مارتین، که اکنون مهم‌ترین سند زندگی اوست، دوستانش با مردی آشنا شدند که در برابر خداوند خویشتن را ناچیز می‌شمرد و جراحات دل دردمندش را نزد طبیب آسمانی می‌برد. مارتین در دفتر خاطراتش می‌نویسد، «برای هر بیماری روحی خویشتن را نکوهش می‌کنم و از مسیح شفاعت می‌جویم، تا من ناچیز شوم و خداوند جلال یابد.» با همه ارزشی که این یادداشت‌ها داشت، برای این که تصویر کاملی از مارتین به دست آید، ناگزیرم نامه‌های وی را نیز که به دوستانش نوشته یکایک از نظر بگذرانیم. این یادداشت‌ها اکنون در دست بانو شروود و نامه‌های پراکنده‌اش در نزد کسان دیگر است. چهار سال پس از مرگ مارتین، آقای جان سارجنت تذکره‌ای درباره وی نوشت.

ولی این تذکره، از آن جا که نویسنده آن به یادداشت‌ها و نامه‌های مارتین دسترس نداشت، از زندگی مارتین و دوستان وی که هنوز در قید حیات بودند اطلاعات چندانی به ما نمی‌دهد. به سال 1892، آقای اسمیت (1) پس از تحقیقات فراوان بیوگرافی مفصل هنری مارتین را منتشر ساخت. سی سال پس از آن در 1922، دوشیزه کونستانس پادویک (2)، که مسیونر و کارشناس ادبیات خاور میانه بود، با استفاده از اسناد موجود و بیاری تخیل و بینش بی‌همتای خویش بیوگرافی هنری مارتین را به صورت دلگشی انتشار داد. کتابی که اینک به دست خواننده می‌رسد و حاوی سرگذشت یکی از پیشتازان جنبش ترویج مسیحیت در روزگار ماست اساساً مبتنی است بر محتویات همان کتاب. نویسنده بدین وسیله از دوشیزه پادویک که اجازه دادند مطالب کتاب ایشان در اینجا نقل شود سپاسگزار است. قسمتی از محتویات کتاب نامبرده با اجازه دوشیزه پادویک در این جا حذف یا تلخیص شده و به جای آن خود نویسنده مطالبی گنجانده است که امید است برای خواننده ایرانی جالب و آموزنده باشد. دوشیزه پادویک در دیباچه خویش بر بیوگرافی هنری مارتین چنین می‌نویسد: «مارتین هرگز سرمشق اکثریت مردم نبوده و نخواهد بود، ولی هر نسلی دارای مردان و زنانی است که روحا با وی خویشاونداند.» آرزوی نویسندگان کتاب این است که خوانندگان ایرانی با آگاهی به خدمات جانبازانه مارتین که همه انجیل را نخستین بار به زبان امروزی آنان برگردانید به خانواده پیروان خدا پیوندند و بدین سان با قهرمان این داستان خویشاوند شوند.

توضیحات:

(1)- G. Smith

(2)- Constance Padwick